

## طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش

### فنی و حرفه‌ای بر اساس مطالعه تطبیقی

A model for evaluation of student achievement in arts related technical vocational fields of study based on a comparative research findings

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۷/۲؛ دریافت نسخه نهایی: ۸۸/۱/۲۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۳/۷

Mh. Mirzamohammadi (Ph.D)

دکتر محمدحسن میرزامحمدی<sup>۱</sup>

**Abstract:** The purpose of this study was development and accreditation of a model for assessment of Arts students at vocational high schools. Structured interviews were used for data collection. Statistical population included all Arts teachers at vocational high schools as well as academics with relevant expertise in Tehran. Data were analyzed using qualitative methods. The first research question focused on a proper model for educational assessment. Review of literature helped develop a model with the following: 1) philosophical basis 2) principles 3) goals 4) approaches and 5) methods. The second to fourth questions addressed the indicators of art potentials of students in cognitive, emotional and skills dimensions. Finally, 30 indicators were suggested on the basis of responses of participants and relevant literature

**Key Word:** Model -evaluation- student achievement- technical vocational

چکیده: تحقیق حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و به روش پیمایشی انجام گرفته است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از ابزار مصاحبه سازمان یافته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه معلمان هنر هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش شهر تهران و متخصصان آموزش هنر در سطح دانشگاه‌های شهر تهران می‌شود. برای تحلیل داده‌های تحقیق از روش تحلیل کیفی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بر اساس سؤالات پژوهش به شرح زیر می‌باشند: با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه موجود درباره ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر و بررسی وضعیت موجود ارزشیابی پیشرفت تحصیلی این حوزه در جهان و ایران الگوی مزبور شامل مؤلفه‌های زیر طراحی و پس از اصلاحات مورد نظر پاسخگویان، نهایی شده است: مبانی (فلسفی و علمی)؛ اصول (ارزشیابی همه جوانب وجودی شاگرد، پیوستگی برنامه درسی، تدریس یادگیری و ارزشیابی، فرایندمداری، تنوع روش‌ها و ابزارهای ارزشیابی، مداومت و عینیت)؛ اهداف (بهبود مداوم فرایند یاددهی و یادگیری، تلاش برای مشخص کردن قابلیت‌های هنری شاگردان در ابعاد شناختی عاطفی و مهارتی و ایجاد زمینه‌های لازم برای استفاده از ابزارهای گوناگون در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های هنر)؛ رویکردها (عینیت‌گرا، ذهنیت‌گرا و ترکیبی) و روش‌ها (پورت فولیو، ژورنال، خود- ارزشیابی، آزمون‌های عملکردی و آزمون‌های مداد کاغذی). بر اساس ادبیات و پیشینه تحقیق، برای هر یک از ابعاد سه‌گانه فوق، مجموعه‌ای از نشانگرهای تدوین و پس از اخذ نظرات پاسخگویان و انجام اصلاحات لازم، تعداد ۳۰ نشانگر (۱۲ نشانگر در بعد شناختی، ۹ نشانگر در بعد عاطفی و ۹ نشانگر در بعد مهارتی) به صورت نهایی ارائه شد. کلیدواژه‌ها: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، قابلیت هنری، آموزش فنی و حرفه‌ای، الگو، نشانگر، تطبیق.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

پست الکترونیکی: mirzamohammadi@shahed.ac.ir، شماره تلفن: ۰۹۱۲۲۳۳۷۸۸۹۲

## مقدمه و بیان مسئله

آموزش هنر از دیر باز مورد توجه مربیان و اندیشمندان تعلیم و تربیت واقع شده است به گونه‌ای که برخی از آنان یکی از پایه‌های نظام تربیتی خود را هنر قرار داده‌اند (میرزامحمدی، ۱۳۸۳: ۲۰۶). این نوع آموزش به ایجاد توانایی‌های فراوان در شاگردان منجر می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، زمینه‌سازی برای پرورش خلاقیت، تخیل، نبوغ و نوآوری است (آیزنر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). در برنامه‌های آموزش هنر، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی موضوعی چالش‌برانگیز است که با دشواری‌های خاص خود همراه است. از جمله این دشواری‌ها می‌توان به قابل پیش‌بینی نبودن پیامد فعالیت هنری و متکی بودن قضاوت هنری به نظر قضاوت‌کنندگان اشاره کرد (براون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ هانلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۳۳).

ارزشیابی قابلیت‌های هنری شاگردان باید فراتر از اندازه‌گیری و سطح‌بندی آنان و متمرکز بر یادگیری انجام گیرد و از نتایج آن در بهبود یادگیری شاگردان استفاده شود. از طریق ارزشیابی قابلیت‌های هنری، شاگردان باید فرصت بهبود یادگیری خود را به دست آورند و این عمل باید از طریق مشارکت آن‌ها در ارزشیابی خودشان صورت بگیرد (استوکروکی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۱۹ و ۱۸). آزمون‌های موجود که به آزمون‌های مداد-کاغذی نیز معروف هستند، توانایی سنجش قابلیت‌های هنری را ندارند و در این زمینه نیاز به شقوق جدیدی از ابزارها و استراتژی‌ها وجود دارد (مادجا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴: ۱۱-۸). ضرورت این امر با نظر به این نکته بیشتر است که هنر وابسته به فرهنگ اجتماعی است و در ارزشیابی آموخته‌های هنری باید تفاوت‌های فرهنگی، فلسفی، نظریه‌های تاریخی و... که در تمایلات شاگردان تجلی پیدا می‌کند، در نظر گرفته شود. بنابراین در فرایند ارزشیابی فعالیت‌های هنری شاگردان، علاوه بر ویژگی‌های ظاهری کار هنری، باید نسبت به سنجش تفکر، عقاید، و انگیزه‌های آنان در انجام آن کار نیز اقدام شود (کاناتلا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱).

- 
1. Eisner.E
  2. Brown.M
  3. Honlly.B
  4. Stokrocki.M
  5. Madeja.S
  6. Cannatella.H

طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه ...

سنجش قابلیت‌های هنری باید بر این فرض متکی باشد که پیامد فعالیت هنری خلق یک شگفتی، پاسخ ویژه به یک موقعیت خاص و تمامیت آن مورد نظر است که قضاوت در مورد آن مطلق نمی‌باشد. بنابراین در ارزشیابی کار هنری نباید منحصرأ به حاصل کار توجه کرد بلکه توجه به مؤلفه‌های فرایند یادگیری مانند کیفیت درگیری با تکالیف و فعالیت‌ها، تمایل کاوش هر چه بیشتر، تمایل به پذیرش خطر و حتی شکست نیز باید در کانون توجه باشد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

وجود دشواری‌های فوق دست‌اندرکاران نظام آموزشی را بر آن می‌دارد که در این خصوص جدیت بیشتری داشته باشند. چنانچه به مقوله ارزشیابی از عملکرد دانش‌آموزان بی‌توجهی شود یا سیاست‌های معقول و هوشمندانه در این زمینه اتخاذ نشود، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان از جمله عواملی هستند که در حذف تدریجی هنر از دستور کار نظام آموزشی یا به حاشیه راندن آن نقش ایفا کرده‌اند (مهر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

### سوابق موضوع و چهارچوب نظری پژوهش:

مطالعات نشان می‌دهند که حساسیت در ارزشیابی قابلیت‌های هنری شاگردان، به عنوان یکی از مسائل مهم نظام‌های آموزشی مطرح شده و در این زمینه اقدامات مهمی انجام گرفته است:

در امریکا، «انجمن ملی آموزش هنر»<sup>۱</sup>، اهداف و استانداردهایی را در زمینه تربیت هنری پیشنهاد کرده است. این اهداف و استانداردها دامنه وسیعی از یادگیری‌های شاگردان، توانمندی‌های معلمان و چگونگی ارزشیابی شاگردان را در بر می‌گیرد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۸). این انجمن بر اساس استانداردهای انجمن ملی آموزش هنر، به ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شاگردان و کار معلمان می‌پردازد (استوکروکی، ۲۰۰۵). تلاش‌های فوق، به طور عمده متأثر از فعالیت‌های «تایلر»<sup>۲</sup> در برنامه «سنجش ملی پیشرفت

1. National Art Education Association (NAEA)

2. Tyler.R

آموزشی<sup>۱</sup>» در امریکا می‌باشد (آیزنر، ۱۹۹۹). اگرچه تأکید این فعالیت‌ها بر استاندارد و آزمون، به اعتقاد برخی زنگ خطری را برای ارزشیابی امریکا به صدا درآورده است (کالول<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۰). همچنین باید به پروژه «ایالتی مشارکتی برای سنجش و استانداردهای شاگردان<sup>۳</sup>» در هنر اشاره کرد. «این پروژه در سال ۱۹۹۳ آغاز شد. در آن زمان ۲۹ ایالت درگیر این پروژه بوده و هر یک از آن‌ها با یک مشاور موضوعی و یک مشاور در حوزه سنجش برای مشارکت هر چه بیشتر در این پروژه همکاری داشتند (شولر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸). در اهداف آموزش و پرورش ایالات متحده بعد از دهه ۹۰، به هنر و ارزشیابی آن (به ویژه استفاده از ابزارهای متنوع در سنجش توانمندی‌های شاگردان) توجه ویژه‌ای معطوف شده است. یکی از زمینه‌هایی که در ارزشیابی آموزش هنر در آمریکا مورد توجه فراوان قرار گرفته، آموزش شیوه‌های ارزشیابی در حوزه هنر به معلمان می‌باشد. در سال ۱۹۹۰ «فدارسیون معلمان آمریکا<sup>۵</sup>»، «انجمن ملی آموزش و پرورش<sup>۶</sup>» و «کمیسون ملی برای سنجش در آموزش و پرورش<sup>۷</sup>»، هفت حوزه از صلاحیت‌ها را برای تمامی معلمان اعلام کردند (کالول، ۱۹۹۸). به طور کلی در این برنامه تلاش بر آن بوده تا ارزشیابی به یادگیری متصل شود، از کاربرد استانداردها در ارزشیابی آموخته‌های شاگردان - به ویژه در هنر - کاسته شود، از ارزشیابی در بهبود یادگیری دانش‌آموزان و از مجموعه‌ای از ابزارها برای ارزشیابی فعالیت‌های هنری استفاده گردد.

در انگلستان، ارزشیابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان بر محورهایی مانند: دادن فرصت تجربه رویکردهای مختلف هنری، آموزش مهارت‌های خلاق، معرفی آثار هنرمندان، آموزش کاربرد مواد و ابزار کار هنری، دادن قدرت ارزیابی از کار و... به دانش‌آموزان

- 
1. The National Assessment of Educational Progress (NAEP)
  2. Colwell. R
  3. The State Collaborative on assessment and student standards (SCASS)
  4. Shuler. S
  5. American Federation on Education
  6. The National Education Association
  7. National Council on Measurement in Education

طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه ...

مبتنی است (افلند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). در انگلستان نیز مانند آمریکا، بر قابلیت معلمان در ارزشیابی کار شاگردان تأکید فراوانی صورت می‌گیرد. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به حرفه‌گرایی، مالکیت و مشارکت معلم و توانایی‌های تخصصی وی در تشخیص کیفیت اثر هنری دانش‌آموز اشاره کرد. برای نیل به این قابلیت‌ها، رویه‌ای به نام Moderation تعریف شده است. در این رویه، که با هدف افزایش دقت در ارزشیابی‌ها به خدمت گرفته شده است، یک فرد با بررسی آثاری که معلمان کلاس آن را ارزشیابی کرده‌اند، به جرح و تعدیل احتمالی نمرات می‌پردازد. در این کشور در جریان ارزشیابی به فرایند نیز توجه ویژه صورت می‌گیرد. ارزشیابی بر اساس کلکسیون فعالیت‌های دانش‌آموزان یا همان کارنما (پورت فولیو)<sup>۲</sup> انجام می‌گیرد که در بردارنده تاریخچه فعالیت‌های آن‌هاست (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۴۳).

در هلند، در ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان، تکیه اصلی بر استفاده از داوران بیرونی است. یک یا دو نفر از معلمان سایر مدارس نیز به طور مستقل به ارزیابی اثر هنری می‌پردازند و میانگین نمرات دو یا سه نفر، به عنوان ارزشیابی اثر، استفاده می‌شود. استانداردها، ملاک‌ها و معیارهای ارزشیابی از اثر هنری در این کشور متناسب با برنامه‌های درسی ملی هنر می‌باشد. در هلند نیز مانند انگلستان، در جریان ارزشیابی به فرایند، توجه ویژه‌ای می‌شود و بر ارزیابی مجموعه فعالیت‌های دانش‌آموزان تأکید دارد. ارزشیابی در این زمینه طبیعتاً از نوع معیار - مرجع می‌باشد. در هلند از مقیاس ۱۰ درجه استفاده می‌شود که ۵/۵، حداقل امتیاز قبولی در نظر گرفته شده است (پیشین: ۱۴۵-۱۴۳).

در کانادا، سنجش توانمندی‌های هنری دانش‌آموزان از طریق ابزارهای مختلفی انجام می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به «برنامه نشانگرهای پیشرفت مدارس<sup>۳</sup>» اشاره کرد. اخیراً تلاش‌هایی برای تدوین آزمون‌های هنر در کانادا صورت گرفته است به

---

1. Efland, A  
2. Portfolio  
3. School Achievement Indicators Program (SAIP)

عنوان نمونه، «برنامه سنجش هنر و موسیقی در ایالت مانیتو با برای سطح ۵»، «آزمون تشخیص موسیقی در ایالت آلبرتا» و «سنجش در هنرها: مطالعه در سراسر کانادا». همچنین پروژه دیگری تحت عنوان «ارزشیابی هنر» توسط تیم ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش بریتیش کلمبیا با هدف بررسی مباحث، چارچوب‌ها و استراتژی‌های ارزشیابی انجام شده است. به طور کلی در ارزشیابی آموخته‌های هنری دانش‌آموزان کانادایی، مواردی مانند آموزش هنری با کیفیت، استخدام معلمان با صلاحیت در رشته‌های هنری، تدارک مقیاس‌های متنوع و جدید برای ارزشیابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان و... در اولویت قرار دارد (هانلی، ۲۰۰۳: ۳۷).

در ایران، دروس ارائه شده در رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به طور کلی به سه دسته نظری، نظری - عملی و عملی تقسیم می‌شوند. در دروس نظری نحوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در قالب: پرسش‌های کلاسی، کار پژوهشی و امتحان پایان ترم انجام می‌شود. در دروس نظری - عملی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به دو صورت انفرادی و جمعی انجام شده و نمرات حاصل از آن با هم جمع و در دو تقسیم می‌شوند. در دروس عملی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در برگزیده طیف وسیعی از ابزارهای ارزشیابی مانند قضاوت تخصصی (ژورژمان)، پوشه کار (پورت فولیو) و ... است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۴). به طور کلی در نظام ارزشیابی یاد شده به گونه‌ای در انواع ارزشیابی آموزشی استفاده شده و این زمینه‌ها جزء نقاط مثبت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر می‌باشد. اما شواهد نشان می‌دهند وضعیت یاد شده به طور کامل رضایت بخش نمی‌باشد؛ توجه عمده در ارزشیابی این حوزه معطوف به حوزه شناختی بوده و قابلیت‌های دیگر شاگردان از جمله قابلیت عاطفی - احساسی در حاشیه گذاره شده است. معلمان توانایی‌های لازم برای ارزشیابی قابلیت‌های گوناگون شاگردان در رشته‌های هنری را ندارند و پیوند لازم میان برنامه درسی، تدریس و یادگیری و ارزشیابی و آزمون در این حوزه کمتر مشاهده

1. Manitoba Art & Music Assessment Program for Grade Five Students
2. Alberta Music Diagnostic Test
3. Assessment in the Arts: A Cross Canada Study.

طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه ...

می‌شود، همچنین سلیقه‌ای بودن و اعمال نظر شخصی معلمان در ارزشیابی مشکل دیگری است که در این حوزه وجود دارد (آزاد و همکاران، ۱۳۸۶).

در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر یعنی ارزشیابی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و به ویژه طراحی الگوی ارزشیابی تاکنون تحقیقی در کشور صورت نگرفته است. با توجه به این موضوع در ادامه، تحقیقات انجام شده در کشور که به نحوی به موضوع تحقیق حاضر مربوط می‌باشند، ارائه می‌گردند «میرزامحمدی» (۱۳۸۶): در بخشی از یک تحقیق به تدوین نشانگرهای تربیتی در بخش فرهنگی - هنری در دوره آموزش عمومی پرداخته شده است. وی با در نظر گرفتن اهداف شورای عالی آموزش و پرورش دوره عمومی در بخش هنر، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مربوط در این دوره (به طور عمده هنر)، و مصاحبه با صاحب‌نظران به تدوین شاخص‌های اولیه این بخش پرداخته و در مرحله بعد نظر متخصصان حوزه تخصصی تعلیم و تربیت را در خصوص شاخص‌های تدوین شده اخذ نموده و به تدوین نسخه نهایی شاخص‌های تربیت هنری پرداخته است.

«امینی» (۱۳۸۴) در تحقیقی به تدوین طراحی الگوی مناسب برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی پرداخته است. وی الگوی خود را در دو بخش اصول و ارکان تعریف کرد. در بخش اول، اصول و مبانی‌ای که برنامه درسی هنر، باید مبتنی بر آن‌ها باشد و در بخش دوم که شاکله اصلی الگوست مباحث زیر مطرح شده‌اند: رکن تجویزی ناظر به طراحی چارچوب کلی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، رکن غیر تجویزی شامل انعطاف‌پذیری و عدم تمرکز در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، رکن تلفیقی در برنامه درسی هنر. در رکن تجویزی، اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی مورد بحث قرار گرفته است. ارزشیابی باید ناظر به داوری در مورد قابلیت‌ها، کارکردها، و نتایج عملی برنامه‌های درسی هنر و بر اساس مجموعه‌ای از معیارها و ملاک‌های روشن باشد و نباید از مقیاس‌های کمی در این مورد استفاده کرد. در زمینه ارزشیابی تربیت هنری آنچه باید برای معلم مهم باشد، بررسی و مشاهده میزان پیشرفت و رشد دانش‌آموز در

طی فرایند فعالیت هنری است. بعد از این که محقق الگو را طراحی کرد، به اعتباربخشی آن از طریق اخذ نظر صاحب نظران با روش مصاحبه اقدام می کند.

«صفوی» (۱۳۷۵) در تحقیقی به بررسی آزمون ویژه استعداد تحصیلی رشته هنر برای ورود به دوره متوسطه پرداخته است. این پژوهش به صورت پیمایشی و در دو جامعه متنی (سؤالهای آزمون هنر و مفاهیم هنری) و دانش آموزان سال سوم راهنمایی پسر در سال ۷۴-۱۳۷۳ در سطح شهر تهران انجام گرفته است. برخی از مهم ترین نتایج این پژوهش عبارتند از: توانایی های هنری با آموزش های بیشتر افزایش می یابد؛ تعداد آزمون های سنجش استعداد های هنری در خارج از کشور بسیار بیشتر از داخل کشور است؛ با تغییر نظام آموزشی، لزوم هدایت صحیح افراد به رشته های مختلف بیشتر احساس می شود. از نقاط ضعف جدی این پژوهش آن است که علی رغم این که اهداف اصلی پژوهش دستیابی به آزمون ویژه استعداد هنری برای دانش آموزان کشور و تعریف عوامل تشکیل دهنده آن بوده، لیکن در عمل محقق نتوانسته است به این نتایج دست یابد.

### فرضیه ها یا پرسش های مورد نظر

- ۱- الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته های گروه هنر آموزش های فنی و حرفه ای چگونه تدوین می شود؟
- ۲- نشانگرهای ارزشیابی قابلیت های هنری دانش آموزان رشته های گروه هنر آموزش های فنی و حرفه ای در بعد شناختی چه می باشند؟
- ۳- نشانگرهای ارزشیابی قابلیت های هنری دانش آموزان رشته های گروه هنر آموزش های فنی و حرفه ای در بعد عاطفی چه می باشند؟
- ۴- نشانگرهای ارزشیابی قابلیت های هنری دانش آموزان رشته های گروه هنر آموزش های فنی و حرفه ای در بعد مهارتی چه می باشند؟



## روش پژوهش

**طرح پژوهش:** تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است. روش مورد استفاده در این تحقیق «پیمایشی»<sup>۱</sup> می‌باشد. بر این اساس، برای تدوین الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش فنی‌وحرفه‌ای و نشانگرهای آن، دو مرحله مستقل به شرح زیر انجام شده است:

الف) مرحله طراحی الگو که خود شامل مراحل فرعی زیر بوده است: ابتدا از طریق مطالعات نظری، وضعیت ارزشیابی آموزش هنر به طور کلی و در کشورهای مورد مطالعه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله بعد، از طریق مطالعه اسناد و مدارک موجود و مصاحبه با دست‌اندرکاران دفتر برنامه‌ریزی درسی آموزش فنی‌وحرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش وضعیت ارزشیابی آموزش هنر در این رشته‌ها مورد بررسی قرار گرفت. سپس، الگوهای ارزشیابی آموزشی به طور کلی و در حوزه آموزش هنر به طور خاص مورد بررسی قرار گرفت. آن‌گاه مؤلفه‌های الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های هنر آموزش فنی‌وحرفه‌ای شامل مبانی، اصول، اهداف، رویکردها و روش‌ها با استفاده از مطالعات نظری تدوین شد. در قدم بعد، محتوای مؤلفه‌های الگوی یاد شده با استفاده از مطالعات نظری کامل شد و بالاخره نشانگرهای مناسب برای ارزشیابی قابلیت‌های دانش‌آموزان رشته‌های هنر آموزش فنی‌وحرفه‌ای در سه بعد شناختی، عاطفی و مهارتی با استفاده از مطالعات نظری در حوزه آموزش هنر تدوین شد.

ب) مرحله اعتباریابی الگو: در این مرحله مؤلفه‌های الگوی تدوین شده برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش فنی‌وحرفه‌ای و نشانگرهای آن با استفاده از نظرات معلمان هنر و متخصصان آموزش هنر مورد اعتباریابی قرار گرفت.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: با توجه به نوع داده‌های تحقیق و شیوه جمع‌آوری آن‌ها، جامعه تحقیق حاضر، شامل موارد زیر می‌شد:

الف) کلیه منابع مربوط به الگوهای ارزشیابی آموزش هنر و تجارب داخلی و خارجی در این زمینه در قالب کتاب‌ها، نشریات علمی، پایگاه‌های اطلاعاتی و... موجود که با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق به صورت «هدف‌مند»<sup>۱</sup> نمونه‌گیری شدند.

ب) کلیه معلمان آموزش هنر، هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کارودانش سطح شهر تهران در رشته‌های صنایع دستی، نمایش، سینما، چاپ دستی، نقاشی، مجسمه‌سازی، طراحی لباس، ساخت عروسک، پشتیبانی صحنه، طراحی کفش و کیف، موسیقی جهانی، موسیقی ایرانی، طراحی پارچه، گرافیک، طراحی و دوخت، نقشه‌کشی معماری و مرمت آثار فرهنگی که تعداد آن‌ها ۳۰ نفر بوده و با همگی آن‌ها مصاحبه به عمل آمد.

ج) متخصصان آموزش هنر در سطح دانشگاه‌ها که در رشته‌های فلسفه تعلیم و تربیت (۴ نفر)، برنامه‌ریزی درسی (۴ نفر) و آموزش هنر (۳ نفر) انتخاب و مصاحبه با ایشان به عمل آمد. ۱ نفر از این افراد فرصت انجام مصاحبه را نداشته و در نهایت از جمع افراد حذف شد.

د) کارشناسان آموزش هنر در دفتر تألیف کتب درسی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای (۳ نفر)، پژوهشگاه آموزش‌وپرورش (۱ نفر) و مدیر برنامه درسی هنر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که نفر آخر فرصت انجام مصاحبه را نداشته و از جمع افراد حذف شد.

ابزار: برای گردآوری داده‌های تحقیق حاضر، از ابزار مصاحبه سازمان‌یافته استفاده شد. برای تدوین ابزار مراحل زیر انجام گرفت:

ابتدا الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و نشانگرهای آن در سه بعد شناختی، عاطفی و مهارتی تدوین گردید. سپس مؤلفه‌ها و نشانگرهای الگو (که در حقیقت همان فرم مصاحبه

طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه ...

است) در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران موضوعی و روان‌سنجی قرار گرفت تا روایی آن به دست آید. آنان الگو را دقیقاً مطالعه کرده و نظرات اصلاحی خویش را اعلام نمودند. این نظرات اعمال و ابزار نهایی شد.

در نهایت الگوی تدوین شده در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و در جلسه مصاحبه نظرات آنان در این خصوص جمع‌آوری گردید. برای تعداد محدودی از جامعه آماری (۴ نفر) که به دلایلی (از جمله کمبود وقت ایشان) فرصت انجام مصاحبه ایجاد نشد، الگو و نشانگرهای ارزشیابی ارسال و نظرات ایشان به صورت کتبی دریافت گردید.

**شیوه و تحلیل داده‌ها:** با توجه به نوع داده‌های گردآوری شده، برای تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل کیفی استفاده شد. بر این اساس داده‌های حاصل از مطالعات نظری و نظرات معلمان، متخصصان و کارشناسان، استخراج، احصاء و طبقه‌بندی شده و بر اساس سؤالات تحقیق، تفسیر و نتیجه‌گیری‌های لازم از آن‌ها به عمل آمد. برخی نظرات که به طور مستقیم در قالب سؤالات تحقیق قابل بررسی نبودند، به صورت کلی مورد تحلیل قرار گرفتند.

## نتایج

سوال اول تحقیق: الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چگونه تدوین می‌شود؟

با توجه به ادبیات و پیشینه موجود درباره ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر و وضعیت موجود این رشته‌ها، الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نشانگرهای آن تدوین و پس از اعمال نظرات اصلاحی مصاحبه‌شوندگان، با نظر به مؤلفه‌های زیر ارائه می‌شود:

**مبانی:**

الف) مبنای فلسفی: در این مبنا می‌توان از ابعاد انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی، بحث به میان آورد که در این‌جا به فراخور بحث بر بعد انسان‌شناختی تأکید می‌شود. آموزش هنر موجب تنوع و عمق بخشیدن به کسب معنا توسط انسان در سراسر زندگی می‌شود (مهر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷). بر این اساس، در ارزشیابی آموزش هنر، انسان (شاگرد) جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به این نکته، الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با در نظر گرفتن تمامیت وجود شاگرد، نگاهی همه جانبه به سنجش قابلیت‌های وی دارد. بر این اساس زمینه‌های مختلف دانش و یادگیری شاگرد را که شامل جنبه‌های عینی (رفتارها) و ضمنی (نگرش‌ها) می‌باشد، مدنظر قرار می‌دهد. این فرایند، به قدرت شاگرد برای مدیریت بر خود اعتقاد دارد و بر انتخاب انسان احترام می‌گذارد. با در نظر گرفتن موارد فوق، بایستی توجه نمود که در فلسفه تربیتی اسلام نیز ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شاگردان بر همین مبنا انجام می‌گیرد، به ویژه این‌که تعریف انسان در نظام تربیتی اسلام با آنچه در این مبنا آمده همخوانی دارد. بنابراین این الگو از نظر این مبنا می‌تواند به طور کامل بومی گردد.

ب) مبنای علمی: یکی از شروط اساسی توفیق در آموزش هنر، ابتنای آن به نظریه‌های علمی است. در این میان نظریه‌های روان‌شناختی و به ویژه نظریه‌هایی که به دنبال کشف قواعد یا مراحل عام تحول هستند، اهمیت فراوانی دارند (پیشین: ۷۴). پیام این مبنا برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی قابلیت‌های شاگردان رشته‌های هنر، توجه به سنجش آن قابلیت‌ها با توجه به مراحل تحول قابلیت‌های زیباشناختی است. نکته حایز اهمیت در این‌جا آن است که قابلیت‌های مذکور با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی دانش‌آموزان و متأثر از فرهنگ حاکم بر محیط زندگی آنان خواهد بود. بر اساس این مبنا، الگوی ارزشیابی قابلیت‌های هنری باید معطوف به فرهنگ دانش‌آموزان بوده و زمینه‌های بوم‌شناختی، آداب و رسوم، زبان و ... آنان را در سنجش قابلیت‌های هنری آنان در نظر گیرد.

## اصول

با توجه به مبانی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اصول زیر بر این فرایند حاکم است:

**الف) ارزشیابی همه جوانب وجودی شاگرد:** در الگوی حاضر ابعاد مختلف دانشی، نگرشی (به ویژه تخیل) و مهارتی (به ویژه خلاقیت هنری) مورد نظر قرار گرفته و در ارزشیابی لحاظ می‌شوند.

**ب) پیوستگی برنامه درسی، تدریس - یادگیری و سنجش:** در الگوی حاضر کل فرایند یادگیری به صورت به هم پیوسته (نه جدای از یکدیگر) مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

**ج) فرایندمداری:** با تغییر تدریجی رویکرد یادگیری از رفتاری به شناختی و با نظر به ماهیت ویژه قابلیت‌های هنری که ویژگی فرایندی دارند، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی نیز در این بخش به صورت مستمر اجرا می‌شود و به فرایند یادگیری معطوف می‌گردد.

**د) تنوع و روش‌ها و ابزارهای ارزشیابی:** در الگوی حاضر، اصل بر استفاده متنوع و متکثر از روش‌ها و ابزارهای ارزشیابی است نه یک روش با یک ابزار (مجموعه‌ای از این روش‌ها در ادامه معرفی شده‌اند).

**ه) مداومت:** در این الگو ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در این رشته‌ها به تبعیت از یادگیری، فرایندی مداوم و همیشگی است.

**و) عینیت:** قابلیت‌های هنری شاگردان در الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی پیشنهادی لازم است تا جایی که ممکن است به صورت عینی و قابل اندازه‌گیری تعریف شود. این اصل به ویژه درباره مهارت‌ها مصداق بیشتری دارد. بر این اساس قابلیت‌های شاگردان به صورت نشانگر در بخش پایانی الگو تعریف شده است.

## اهداف

بر اساس مبانی و اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، می‌توان گفت: «داشتن اهداف تصریح شده، شفاف و عینی و

استفاده از شیوه‌های آزموده شده (تکنولوژیک) برای تحقق آن اهداف، یگانه طریق رویارویی عقلاانه و هوشمندانه با اموری که انسان با آن‌ها سر و کار دارد، نیست» (پیشین: ۶۲). در نتیجه، این اهداف را می‌توان در الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر آموزش فنی و حرفه‌ای تعریف نمود: الف) بهبود مداوم فرایند یاددهی و یادگیری، ب) تلاش برای مشخص کردن قابلیت‌های هنری شاگردان در ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی، ج) ایجاد زمینه‌های لازم برای استفاده از ابزارهای گوناگون در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های هنر.

### رویکردها

به طور کلی سه رویکرد در ارزشیابی آموزشی قابل توضیح است: الف) رویکرد عینیت‌گرا: بر اساس این رویکرد، آنچه در قابلیت‌های دانش‌آموزان مهم است، رفتارهای عینی آن‌هاست و تلاش ارزشیاب باید معطوف به آن باشد تا ملاک‌های ارزیابی را هرچه بیشتر به صورت عینی درآورد. نمره مهم‌ترین شاخص ارزیابی عملکرد شاگردان در این رویکرد است.

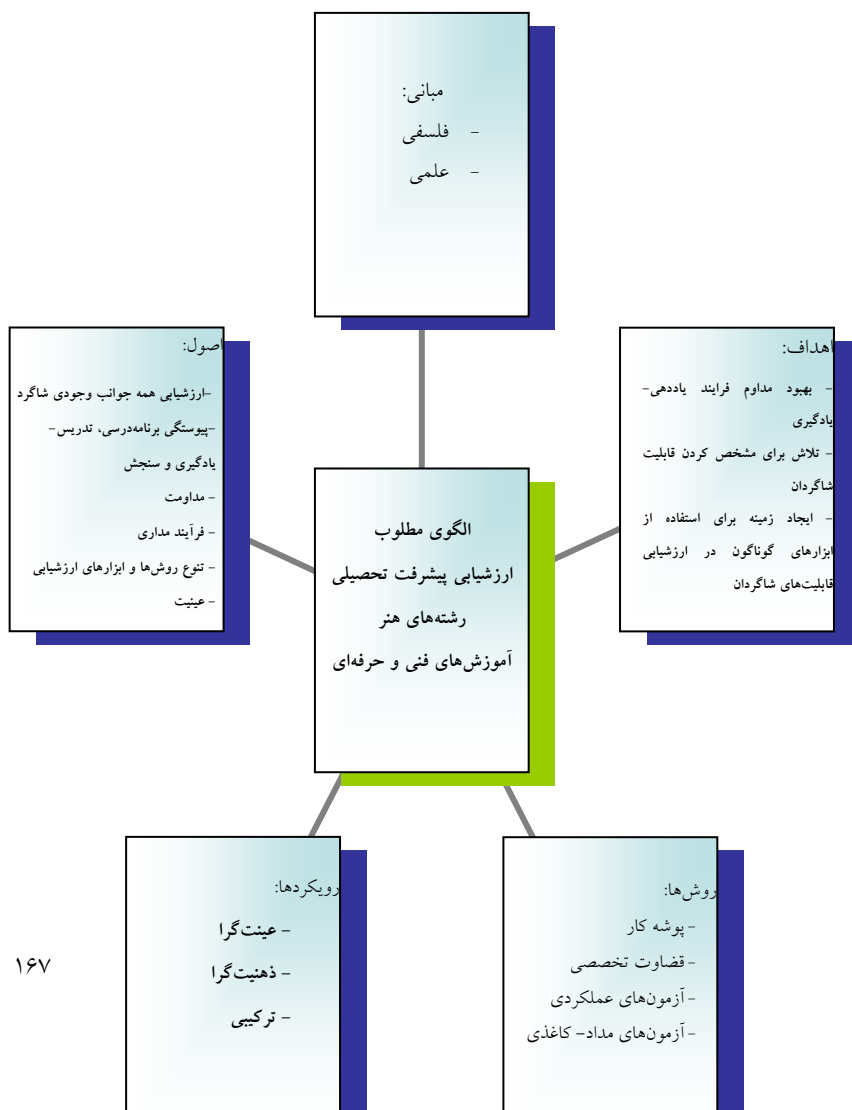
ب) رویکرد ذهنیت‌گرا: در این رویکرد، توجه اصلی به زمینه‌های درونی و غیرمحمسوس وجودی شاگردان می‌باشد. در این رویکرد به جای نمره و کمیت، بر قضاوت و شهود ارزشیاب در سنجش قابلیت‌های شاگردان تأکید می‌شود.

ج) رویکرد ترکیبی: که در این رویکرد، از هر دو رویکرد فوق، متناسب با زمینه مورد ارزشیابی و توانمندی‌های شاگردان استفاده می‌شود.

با توجه به مراتب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، این رویکرد بیشتر مورد توجه است به گونه‌ای که رفتارهای مشاهده‌پذیر شاگردان به ویژه در حیطه روانی- حرکتی مد نظر قرار گیرد اما از ارزشیابی سایر توانایی‌های آنان به ویژه در حیطه عاطفی و شناختی غفلت نشود.

## روش‌ها

با توجه به آنچه در مؤلفه‌های قبلی الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه شد، روش‌های زیر برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در این رشته‌ها در آن دانشگاه پیشنهاد می‌شود (لازم به ذکر است که توضیح این روش در فصل دوم آمده است): الف) ارزشیابی از طریق پوشه کار (پورت فولیو)، ب) ارزشیابی از طریق قضاوت‌های تخصصی (ژورمان)، ج) خود-ارزشیابی، د) آزمون‌های عملکردی، ه) آزمون‌های مداد کاغذی.



نمودار ۱: الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای  
پس از شرح مؤلفه‌های تشکیل دهنده الگو، به بیان نشانگرهای ارزشیابی  
قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش فنی و حرفه‌ای در قالب  
سؤالات دوم تا چهارم تحقیق پرداخته می‌شود. در واقع، نشانگرهای مزبور از مجموعه  
مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده الگو حاصل شده‌اند، به این معنا که تلاش شده تا تصویری از  
مبانی، اصول، اهداف، رویکردها و روش‌ها باشند. این امر در تقسیم‌بندی نشانگرها به  
حیطه‌های سه‌گانه یادگیری و عبارات به کار رفته در هر یک از آنان به خوبی روشن  
است.

سوال دوم تحقیق: نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه

هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد شناختی چه می‌باشند؟

- آمادگی برای پاسخگویی به پرسش‌های کتبی و شفاهی
- توانایی ارزیابی از کار خود (خود-ارزیابی)
- توانایی ارزیابی از کار دیگر شاگردان
- توانایی پیدا کردن راه حل برای مسائل رشته خویش
- توانایی درک روابط میان عناصر یک اثر هنری
- توانایی شناخت جلوه‌های هنری در طبیعت
- توانایی ایجاد و پرورش ایده هنری
- شناخت هنرمندان بزرگ و آثار آنان در رشته خویش
- توانایی پردازش اطلاعات در رشته هنری خود



طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه ...

- آگاهی نسبت به انواع سبک‌های هنری
  - شناخت تاریخ تحولات هنری در رشته خود
  - شناخت و پیش‌بینی روندهای آینده در رشته خود
  - شناخت ابعاد اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و... در رشته خود
- سوال سوم تحقیق: نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد عاطفی چه می‌باشند؟
- پشتکار، صبر و حوصله در کار هنری
  - علاقه و انگیزه در کار هنری
  - نظم و دقت در کار هنری
  - لذت بردن از یادگیری در هنر و به وسیله هنر
  - توجه به خلاقیت و توسعه تخیل در کار هنری
  - توسعه فضایل انسانی و اخلاقی از طریق کار هنری
  - امنیت عاطفی در بیان ایده و بروز خلاقیت ذهنی
  - ارج‌گذاری به میراث تمدنی و فرهنگی سرزمین خود
  - کمال‌جویی و ممارست در شناخت و تولید اثر هنری
- سوال چهارم تحقیق: نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد مهارتی چه می‌باشند؟
- مشارکت در کار گروهی هنری
  - ارائه کامل آثار علمی در کار هنری
  - استفاده مناسب از ابزار هنری
  - توانایی کاربرد دقیق، ظریف و سریع حواس در کار هنری
  - جستجو و ارائه روش‌های گوناگون و مناسب برای اجرای کار عملی (خلاقیت)
  - توانایی سرپرستی کار گروهی و گروه‌های هنری
  - توانایی ارائه یک اثر هنری بدون نیاز به کمک معلم (به صورت مستقل)

- ارائه نمونه‌هایی از بهترین کارها که نشان دهنده رسیدن به مهارت در موضوع هنری باشد

- توانایی استفاده از فناوری در کار هنری

### بحث درباره نتایج

مروری بر ادبیات، تحقیقات و مطالعات انجام گرفته پیرامون ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شاگردان در رشته‌های هنر در سطح داخلی و خارجی نشان دهنده کاربرد روش‌ها و ابزارهای متنوع و مختلفی در سنجش این حوزه می‌باشد. مجموعه مفاهیم، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های مورد استفاده در ارزشیابی آموزش هنر به طور روز افزونی روبه گسترش است و نظام‌های آموزشی مختلف بخش قابل توجهی از انرژی و منابع خویش را صرف مطالعه و پژوهش در این حوزه نموده‌اند.

از سال ۱۹۶۷ که اسکریون<sup>۱</sup> برای اولین بار از ارزشیابی مستمر بحث به میان آورد، این نوع ارزشیابی در سنجش قابلیت‌های شاگردان به ویژه در هنر مورد استفاده قرار گرفته است (فیتز پاتریک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۴). ارزشیابی مستمر با داشتن ویژگی پیاپی و گستردگی، تصویری کامل از تمامیت شخصیت شاگرد ارائه می‌دهد. امروزه این شیوه سنجش که تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را مبنا قرار داده و به قابلیت رشد هر فرد توجه می‌کند، مورد توجه روزافزون نظام‌های آموزشی قرار گرفته (نیکل<sup>۳</sup> و دیک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴) و روش‌های مختلفی برای آن تعریف شده که از جمله آن‌ها پورت فولیو می‌باشد (جورج<sup>۵</sup> و کوان<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹).

پوشه کار (پورت فولیو) که از دنیای هنر وارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شده (سیف، ۱۳۸۲: ۲۵۳)، امروزه به عنوان یکی از مؤثرترین روش‌های ارزشیابی فرایندها و

---

1. Scriven. M  
2. Fitzpatrick. J  
3. Nikol. D  
4. Dick. K  
5. Georg. J  
6. Cowan. J

طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه ...

آثار هنری شاگردان مورد استفاده قرار می‌گیرد (فراهانی، ۱۳۸۲: ۱۱۲) تا جایی که در سال‌های اخیر با استفاده از فناوری‌های جدید، بحث از پورت فولیوی الکترونیکی در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی هنر به میان آمده و برای آن مدل‌هایی نیز تعریف شده است (مادجا، ۲۰۰۴: ۱۱-۸).

مروری بر وضعیت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در برنامه‌های آموزشی هنر در سطح جهان نشان می‌دهد که در چند سال اخیر تغییر رویه بسیار سریعی از الگوهای کمی به الگوهای کیفی صورت پذیرفته است. این تغییرات در روش‌شناسی، عمل و سیاست آموزش هنری، ترکیب الگوهای کمی و کیفی ارزشیابی قابلیت‌های هنری، دوری از تأکید افراطی بر استانداردها در ارزشیابی فعالیت‌های هنری و تأکید بر اهمیت قضاوت معلمان در خصوص عملکرد دانش‌آموزان در حوزه تربیت هنری بوده است.

با توجه به مراتب فوق، می‌توان گفت با وجود این‌که امروزه برای ارزشیابی قابلیت‌های هنری شاگردان از ابزارها و روش‌های متنوع و فراوانی استفاده می‌شود، اما همچنان این مسئله مورد بحث است که الگوی ارزشیابی مناسب برای ارزشیابی در آموزش هنر کدام است؟ بررسی وضعیت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در رشته‌های هنری در سایر کشورها (کشورهای مورد مطالعه) نیز نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه فراوان نظام آموزشی این کشورها به مقوله ارزشیابی آموزش هنر و تدوین روش‌ها، ابزارها و سازوکارهای فراوان و متنوع این زمینه و استفاده مناسب از آن‌ها، همچنان این مسئله باقی است که الگو یا الگوهای مشخصی برای ارزشیابی آموزش هنر به طور خاص تدوین نشده است.

## منابع

۱. آزاد، ابراهیم و همکاران. (۱۳۸۶): وضعیت موجود ارزشیابی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، متن مصاحبه انجام شده در دفتر برنامه‌ریزی درسی

- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
۲. امینی، محمد. (۱۳۸۴): تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران: انتشارات آبیژ.
  ۳. امان ا... (۱۳۷۵): آزمون ویژه استعداد تحصیلی رشته هنر برای ورود به دوره متوسطه، معاونت آموزش متوسطه، دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه.
  ۴. بازرگان، عباس. (۱۳۸۳): ارزشیابی آموزشی (مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی)، تهران: انتشارات سمت
  ۵. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۸۴): اسناد برنامه درسی رشته صنایع دستی، طراحی و دوخت و نقاشی، دفتر برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش.
  ۶. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲): روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ویرایش سوم. تهران: نشر دوران
  ۷. فراهانی، مهدی. (۱۳۸۳): مقدمه بر ارزشیابی کیفی آموخته‌های فراگیران با تأکید بر سنجش عملکرد (ارزشیابی پرونده‌ای)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
  ۸. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۴): آموزش عمومی هنر: چپستی، چرایی، چگونگی، تهران: انتشارات مدرسه.
  ۹. میرزامحمدی، محمدحسن. (۱۳۸۳): «بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی» نشریه علمی- پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سوم، شماره ۲: صص. ۲۲۵-۲۰۱.
  ۱۰. میرزامحمدی، محمدحسن. (۱۳۸۶): تدوین شاخص‌های تربیتی در دوره آموزش عمومی، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشور رفتار، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، دوره جدید: صص ۲۲-۱.

11. Brown, N. C. M. (2001) "The Imputation of Authenticity in the Assessment of Student Performances in Art", **Educational Philosophy and Theory**, Vol. 33, No. 3 & 4 (305-322).

12. Cannatella, H. (2001) "Art Assessment," **Assessment & Evaluation in Higher Education**, Vol. 26, No. 4 (319-326).

13. Colwell, R. (2003)" The Status of Art Assessment: Examples for Music", **Arts Education Policy Review**, Vol. 105, No. 2, (11-18).
14. Colwell, R. (1998)"Preparing Student Teachers in Assessment", **Arts Education Policy Review**, Vol. 99, issue 4.
15. Eisner, E. (1999)" The National Assessment in Visual Arts", **Arts Education Policy Review**, Vol. 100, issue 6.
16. Eisner, E. (1994) **Educational Imagination**, Stanford University Press.
17. Efland, A. (1994) Art Educational Programs, In the Arch. L (editor) **Encyclopedia of Curriculum**, Pergamon Press.
18. Fitzpatrick, J. L. Worthen, B. R. & Sanders J. R. (2004) **Program Evaluation: Alternative Approaches and Practical Guidelines (Third Edition)**. New York: Longman
19. George. J and Cowan. J (1999) **A Handbook of Techniques for Formative Evaluation (Mapping the Student's Learning Experience)**. Kogan page.
20. Honlley. B. (2003)" Policy in Arts Assessment in Canada: Lets Get Real", **Arts Education Policy Review**, Vol. 105, No. I, (33-38).
21. Madeja. S. (2004)" Alternative Assessment Strategies for Schools", **Arts Education Policy Review**, Vol. 105, No. 5 (3-13).
22. Nicol, D. and Dick, K. (2004) **Rethinking Formative Evaluation Assessment in H. E: A Theoretical Model and Seven Principles of Good Practice**. The Higher Education Academy Generic Center.
23. Shuler, S (1998)"The Evolution of State Art Assessment: from Sisyphus to Stone Soup", **Arts Education Policy Review**, Vol. 100, issue 1.
24. Strokrocki, M. (2005)" Reconsidering Evryday Assessment in the Art Classroom: Ceramics and Science", **Arts Education Policy Review**, Vol. 107, No.1, (15-21).